

بررسی تحقیقات اجتماعی در جوامع رو به توسعه با تأکید بر ایران

اثر: دکتر محمد تقی شیخی

دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

(از ص ۱۹۱ تا ۲۱۲)

چکیده:

تحقیق در بسیاری از جوامع رو به توسعه به لحاظ ضعفهای زیربنائی در حدّی بسیار ضعیف صورت میگیرد. این شرایط باعث شده است تا خلاقیتها هم در این جوامع کمتر نمایان گردد. ضعف تحقیقات در جوامع رو به توسعه باعث شده است تا پیچیدگی مسائل هر چه جدی تر گردد. حل این بحران نیاز به کادر قوی از محققین اجتماعی، جامعه شناسان، جمعیت شناسان و ... دارد تا با مطالعه علمی جامعه، به راه‌حلهای مناسب دست یابند، و از آن طریق دستگاه برنامه‌ریزی بتواند نیازهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برطرف سازد. انگیزه تحقیق در محققین اجتماعی نیز مهم است و آنها باید تلویحاً این تضمین را پیدا کنند که تحقیقات کاربردی آنها موجبات بهبود بیشتر زندگی را فراهم می‌آورد. از جمله مشکلات قابل ذکر در تحقیقات اجتماعی در ایران و بسیاری دیگر از جوامع جهان سوم نداشتن پژوهشگران بیطرف و فارغ از تعصب است.

واژه‌های کلیدی: مسائل اجتماعی، تحوّل اجتماعی، صنعتی شدن،

توسعه.

مقدمه:

از سالهای بعد از جنگ جهانی دوم علوم اجتماعی در سیاست گذاری و مدیریت کشورها نقش مؤثری داشته‌اند و به دنبال آن اهمیت روز افزونی نیز پیدا کرده‌اند؛ یعنی تا حد زیادی و بتدریج اهمیت کاربردی پیدا کرده‌اند. این علوم به لحاظ روش شناسی (متدولوژی) به پیشرفت‌های لازم جهت مطالعه، ارزیابی و تدوین سیاست‌های اجتماعی دست یافته‌اند. این علوم زمینه‌های لازم جهت حرکت به سوی توسعه اقتصادی - اجتماعی سریع و تغییرات اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم آوردند. در این حرکت، محققین و پژوهشگران اجتماعی نیز در جهان سوم موقعیت و نقش خود را باز یافته‌اند، به ارزیابی مجدد تواناییهای خود پرداخته‌اند و بدینگونه سعی در حل مسائل موجود در جوامع خود داشته‌اند. علوم اجتماعی میبایست خود را با نیازهای ملی هماهنگ نمایند، تواناییهای خود را در حل مسائل هر چه بیشتر تنظیم و تقویت نمایند و آینده‌نگری تحلیلی خود را هر چه بیشتر توسعه دهند. ضعف کاربرد زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی در ایران هر یک در جای خود بنحوی جامعه را از توسعه باز داشته یا روند حرکتی آنرا کند کرده است. مثلاً، ضعف مطالعات جامعه شناسی در مناطق مختلف و در سطح ملی باعث گردیده است تا تصویر روشنی از ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه آنطور که در جوامع صنعتی متداول است، نداشته باشیم، و آن خود نظام برنامه‌ریزی جامعه را با ضعف روبرو می‌سازد. همینطور، کمبود مطالعات فرهنگی و مردم شناسی، و کم بهاء دادن به مجموعه ارزشهای قومی و محلی باعث اضمحلال هویت‌های محلی و قومی شده و در نتیجه نوعی استحاله فرهنگی در بین بسیاری از اقوام و فرهنگ‌ها صورت گرفته، بگونه‌ای که آنها بتدریج جذب فرهنگ و مجموعه ارزشی غالب شده‌اند. بدینگونه، بسیاری از میراث‌های فرهنگی در کشور، در حال از بین رفتن است. این قبیل گنجینه‌های فرهنگی در صورتیکه بنحو مناسبی حفظ و نگهداری شوند، میتواند منشاء غرور ملی، و به لحاظ اقتصادی و از طریق هدایت صنعت گردشگری بسیار ایجاد درآمد نماید. کمبود مطالعات اجتماعی - اقتصادی و بالطبع عدم ارائه راهکارهای مناسب، و جابجائی‌های سریع جمعیتی از نقاط روستائی به مناطق شهری، بسیاری از چالش‌ها و مشکلات زیست - محیطی را به همراه آورده است که روز به روز به وخاستن آن نیز افزوده میگردد. کم بهاء دادن به مطالعات جمعیتی و تجزیه و تحلیل نابین داده‌های بدست آمده از

پنج دور سرشماری رسمی عمومی نفوس و مسکن در کشور طی نیم قرن اخیر، و به دنبال عدم ارائه راهکارهای مناسب، جمعیت کشور طی پنجاه ساله اخیر به حدود چهار برابر افزایش یافته است. همینطور، براساس پیش بینی های بعمل آمده این جمعیت تا سال ۱۴۰۰ شمسی به حدود ۱۴۴ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. از این رو، محدودیت تحقیقات اجتماعی در بسیاری از جوامع رو به توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران، تضادها و تنگنانهایی را به دنبال خواهد آورد و آن خود به مشکلات و بحرانهای بیشتر اجتماعی نیز منجر خواهد شد.

کاربرد علوم اجتماعی

علوم اجتماعی جهت حل مسائل اجتماعی بکار گرفته میشوند. در این خصوص و جهت اثبات این نظریه، به دیدگاه ویلیام فیلدینگ آگبرن^۱ میتوان استناد کرد. وی حدود ۶۰ سال پیش اینطور مطرح کرد که: اغلب مسائل اجتماعی ناشی از تغییرات بنیادی است که به دنبال تغییرات تکنولوژیک صورت میگیرد. مثلاً، پیدایش اتومبیل باعث تحرک و جابجایی افشار مختلف به نقاط شهری شد که خود پیامدهای مربوط به ضعف و کاهش نیروی انسانی در نقاط روستائی و پیدایش گروههای خلافکار در نقاط شهری را به همراه داشت؛ یعنی جریانی که نتیجه شرایط اجتماعی نابسامان بود. آگبرن در این خصوص اضافه میکند که تنها اقدامات مبتنی بر تحقیقات اجتماعی و ارائه راه‌حلهای اجتماعی میتواند کارساز باشد. آگبرن از آن بعنوان نوعی از "اختراع اجتماعی"^۲ یاد کرد (نظیر وضع قانون یا شکل جدیدی از سازمان اجتماعی). از آنجا که گسترش تکنولوژی و تغییرات ناشی از آن اجتناب ناپذیر مینماید، علوم اجتماعی کاربردی یا مهندسی اجتماعی^۳ در حد وسیعی میبایست بکار گرفته شود، تا مسائل و پیچیدگیهای اجتماعی حل و رفع گردند. جهت تحقق این هدف، علوم اجتماعی اینگونه پیشرفت داشته است:

(1) William Fielding Ogburn

(2) Social Invention

(3) Social Engineering

- طی دهه‌های اخیر اعتقاد به علوم اجتماعی در مقایسه با علوم طبیعی افزایش یافته است و آن خود از طریق مشاهدات عملی، اندازه‌گیریهای دقیق کمی، کشف قوانین و بکارگیری روشهای علمی به اثبات رسیده است.

درچه علوم اجتماعی نسبتاً با تأخیر وارد عرضه علمی شده است، در عین حال جایگاه علمی خود در کوتاه مدت خوب باز یافته است. گسترش دانشگاهها طی قرن نوزدهم و بیستم در توسعه و تقویت این علوم نقشی مؤثر داشته است.

- علوم اجتماعی ایده بهبود شرایط انسانی از طریق تحقیقات علمی را فراهم می‌آورد. گرچه این حرکت و تحول بدو از اروپا آغاز شد، ولی به تدریج به سایر جوامع نیز راه یافت. کاربردهای علوم اجتماعی بر حسب وجود امکانات محققین اجتماعی و ... در مقیاسهایی متفاوت مطرح می‌باشد.

تاریخچه علوم اجتماعی

تاریخچه پیدایش علوم اجتماعی به مفهوم نوین آن اساساً به قرن نوزدهم برمیگردد. مجموعه این علوم بدو توسط پنج کشور: بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و آمریکا لمس و بکار گرفته شد. مشتقات این علوم به ویژه اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی عمدتاً بعنوان یک واقعیت عملی در این جوامع مورد استفاده قرار گرفت.

از همان بدو پیدایش علوم اجتماعی، علمای اجتماعی دریافتند که "غرب" تمامیت جهان نیست، اما اینطور عقیده داشتند که دنیای "غیر غرب" "غیر مدرن" است، یعنی چیزی اصولاً متفاوت با دنیای غرب. پس از مدتی دانشمندان علوم اجتماعی بر این عقیده شدند که با مطالعه جهان "غیر غرب" و از طریق علوم اجتماعی، آنرا بهتر میتوان شناخت و توصیف کرد و بهمین خاطر، حتی قبل از گسترش علوم اجتماعی، مردم شناسی، شرق شناسی، مطالعه تمدنها و ... مورد استفاده قرار گرفت.

تحول جهان از سال ۱۹۴۵ به بعد مبانی و استراتژی علوم اجتماعی قرن نوزدهم را نیز تحت تأثیر قرار داد و این مجموعه علوم به تمامی نقاط جهان گسترش و اشاعه یافت، بگونه‌ای که از آن زمان به بعد، جوامع مختلف نوسازی و اصلاح جوامع خود را براساس این علوم دنبال کرده‌اند.

در عین حال، "در کشورهای صنعتی فنون و ابداعات ماشینی سریع‌تر از امکانات سازگاری بشر، با وضعی که مخلوق قریحه و استعداد خود بشر است، در حال پیشرفت و در کشورهای غیر صنعتی نیازمندیها سریعتر از امکانات تولیدی و وسائل ارضای آن در حال ظهور است. در نتیجه، عصر ما مقارن بروز دو انقلاب است: یکی انقلاب صنعتی جدید و دیگری انقلاب در نیازمندیهای جدید" (نراقی. الف، ۱۳۶۳، علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، ص ۲۸۸). در چنین وضعیتی بود که نیاز بهره‌گیری از علوم اجتماعی، پژوهش و تحقیق بیش از هر زمانی از گذشته حس شد. چنین حرکتی هر چه بیشتر میبایست تداوم یابد تا فشار مسائل اجتماعی هر چه بیشتر کاهش و تعدیل یابد.

نیمه دوم قرن بیستم بعنوان عصر برنامه‌ریزی، توسعه، صنعتی شدن، حفظ توازن، رشد متوازن اقتصادی و... شناخته شده و بسیاری از جوامع جهت نیل به این مواضع و شرایط از علوم اجتماعی بگونه‌ای مناسب، معقول و منسجم استفاده کرده‌اند. بررسی موقعیت و مواضع ایران تا جائیکه به استفاده و بهره‌گیری از علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) مربوط میشود، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در کنار پیشرفت و توسعه علوم اجتماعی در قرن اخیر، خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، و تخصیص اعتبارات معتابه به مؤسسات پژوهشی در سراسر جهان بویژه در کشورهای صنعتی، که نتیجه سیر تکاملی علوم و نیاز جهان متمدن است، به این مسئله اساسی نیز توجه خاصی حاصل گردید که در قبال ترقیات شگرف ریاضیات و علوم طبیعی، که موجب افزایش روزافزون قدرت مادی و خارجی انسانیت، انسان خود سواجه با مشکلات لاینحلی شده است؛ یعنی آنطور که شایسته و لازم است نتوانسته به موازات موفقیت‌های علمی که ناشی از رفتار خود انسان است، موفق آید، و آن خود نیازمند به آسیب‌شناسی اجتماعی است.

نگاهی کلی به موضوع

این بررسی اشاره‌ای به وضعیت تحقیقات اجتماعی در جهان سوم بطور عام و ایران بطور خاص دارد. تحقیقات اجتماعی در عصر جدید در مقایسه با چند دهه پیش پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده است. تکنیکها و روشهای جدیدی نیز جهت جمع‌آوری و

تجزیه و تحلیل اطلاعات پیدا شده است که هر کدام در جای خود مکمل دیگری میباشد. استفاده وسیع و رو به گسترش از کامپیوتر و تسهیلات الکترونیک خود انقلابی در تحقیقات علوم اجتماعی در ابعادی جدید بوجود آورده است. اما، علیرغم این حقیقت که مردم در بسیاری از جوامع جهان سوم نسبت به تحقیقات اجتماعی بیشتر آگاهی پیدا کرده‌اند و مؤسسات دولتی و غیر دولتی نیز بودجه‌های بیشتری در این راستا در اختیار محققین اجتماعی گذاشته‌اند، در عین حال وضعیت تحقیقات اجتماعی در این کشورها آنقدر دلگرم کننده نیست.

در چنین شرایطی عموماً ملل مختلف دنیا با مسائل جدی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو هستند که هر روز پیچیده تر نیز میگردند. در صورتیکه این قبیل مسائل توسط محققین با صلاحیت، مخلص و واجد شرایط مورد بررسی دقیق قرار نگیرد، اداره کنندگان مملکتی، سیاستمداران، اقتصاد دانان، مصلحین اجتماعی و... جهت حل مسائل پیش روی خود نمیتوانند راه‌حلهای مناسب را پیدا کنند. در چنین شرایطی جامعه با بن بست مواجه میگردد. از این رو، هر گونه پیشرفت کارشناسان اجتماعی در زمینه‌های مختلف خود در گرو تحقیقات اجتماعی اصیل است.

مسائل اجتماعی نیاز به راه‌حلهای سیستماتیک، هوشیارانه و عملی دارند، و از این طریق است که رفتارهای غیرقابل پیش بینی و متغیر انسانها را میتوان اندازه گیری، پیش بینی، ثبات و قوام بخشید. از این رو، روش تحقیق در پژوهشهای اجتماعی بعنوان بخشی لاینفک، نقشی مؤثر دارد.

پیوستگی بین فرهنگ‌ها، تمدنها، نحوه زندگی و معیشت جمعیت‌ها طی اعصار مختلف از طریق مطالعات اجتماعی تحقق می‌یابد. همینطور، غنای فرهنگی نسل کنونی و... همگی در گرو عمق این قبیل پژوهشها است. بعبارت دیگر، "تحقیقات اجتماعی موجبات ارتباط فرهنگی بین نسلهای مختلف را فراهم می‌آورد، و بدینگونه نسل حاضر با نسل قبل پیوند پیدا میکند" (فرهادی، م، ۱۳۷۳، فصلنامه علوم اجتماعی، ص ۹۵).

تحقیقات اجتماعی در جوامع رو به توسعه

بر سر دو راهی بودن تحقیقات علوم اجتماعی در جوامع رو به توسعه بیشتر ملموس

است. در این کشورها به خاطر شرایط خاص اجتماعی - فرهنگی وضع به گونه‌ای دیگر است و با جوامع صنعتی کاملاً متفاوت می‌باشد؛ این بدان خاطر است که:

الف: مسائل اجتماعی در جوامع رو به توسعه در مقایسه با جوامع صنعتی فراوان و بسیار پیچیده هستند.

ب: جامعه به راحتی نمیتواند جهت پژوهشهای اجتماعی تخصیص بودجه نماید، بدان لحاظ که صرف منابع مالی در بخشهای دیگر زندگی بیشتر ضروری به نظر میرسد.

ج: اضافه کردن منابع مالی در این جوامع کار راحتی نیست چونکه تسلسل فقر تا جائیکه به مالیات، تشکیل سرمایه و... مربوط میشود، ریشه پیدا کرده است.

د: دانشگاهها و سازمانهای پژوهشی عملاً زیرنساء لازم جهت تربیت محققین با صلاحیت را در زمانی کوتاه ندارند.

ه: تعداد محققین اجتماعی با صلاحیت، دوره دیده و با گذشت که بخواهند به مسائل اجتماعی پردازند کمتر از حد مورد نیاز است.

و: در کشورهای رو به توسعه مردم معمولاً "هوشیاری پژوهشی" ندارند و احساس میکنند که سرمایه‌گذارهای آنها در تحقیق صرفاً اتلاف منابع است. این خود بیشتر به این علت است که نتایج تحقیق بسیار کند مشخص میگردد.

ز: اغلب محققین در جوامع رو به توسعه خیلی خوب به آخرین تکنیکهای پژوهشی مجهز نیستند.

ح: پیدا کردن محققین اجتماعی که با علاقه و روحیه کار دوستی به تحقیق پردازند بسیار مشکل است. این بدان خاطر است که محققین اغلب به لحاظ مالی ضعیف‌اند و لذا بیشتر در فکر پیدا کردن درآمد هستند تا تحقیق از روی روحیه اخلاص و علاقه درونی.

بطور کلی پژوهش در کشورهای جهان سوم از جمله ایران به دو گونه صورت می‌گیرد، یعنی: ۱- در دانشگاهها ۲- در مؤسسات و سازمانهای پژوهشی: در دانشگاهها تحقیق خود به دو صورت انجام میگردد؛ یعنی توسط دانشجویان بعنوان کارهای دانشجویی، قبولی در مقطع تحصیلی و... و نوع دوم آن که بسیار کم صورت میگردد میبایست توسط اعضاء گروه آموزشی، دانشکده و... باشد. قابل ذکر است که اگر اعضاء گروه آموزشی مسئله پژوهشی را عهده دار شوند و راه حل آن را بیابند، خود این حرکت پیشرفتهای بیشتر علمی را نیز به دنبال

می‌آورد. انتظار این است که این گونه مؤسسات تسهیلات لازم را در اختیار اعضای خود بگذارند و آنها را در مقاطع مورد نیاز راهنمایی نیز بنمایند، ولی چنین جریانی کمتر عملاً به چشم می‌خورد. در اینجا پیشنهاد می‌گردد که نهادها و مراکزی چون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خود نظارت و حمایت مستمر و مسلط در بخشها و گروههای مختلف علمی داشته باشند، مشکلات مالی را برطرف نمایند و بدینگونه از توانائیهای بالقوه اعضای هیئت علمی بگونه‌ای گسترده و غیرمتمرکز استفاده کنند (نه تنها متمرکز در یک نقطه یا منطقه).

مسئله دیگری که در خصوص پژوهشهای اجتماعی در ایران مطرح است عبارتست از بکار نبردن نتایج تحقیقات کلان و مادر، نپرداختن به تحلیل و تفسیر آنها و... توسط خود علمای اجتماعی در کشور. مثلاً، طرح سرشماری نفوس و مسکن هر ۱۰ سال یکبار در سطح کشور صورت می‌گیرد که حاوی اطلاعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نیز هست، ولی محققین اجتماعی بندرت به آنها رجوع میکنند، روی آنها کار میکنند و... بر سر دوراهی بودن علوم اجتماعی بیشتر در جهان رو به توسعه مطرح است تا در جهان صنعتی. این بدان خاطر است که در کشورهای ربه توسعه محققین میبایست پایه پای مسائل اجتماعی دائم التزاید پیش بروند. آنها میبایست نسبت به این امر اطمینان حاصل کنند؛ یعنی اینکه آیا پیشنهادات آنها نسبت به حل مسائل موجود با موفقیت مواجه میگردد یا خیر؟ این در حالی است که سایر عوامل نیز میبایست مطلوب عمل کنند. در موارد زیادی محققین این قبیل کشورها در پیش بینی‌های خود نسبت به بسیاری از مسائل و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناموفق‌اند. در بسیاری از جوامع رو به توسعه از جمله ایران محققین اجتماعی هنوز در موقعیتی نیستند که وضعیت را در آینده نزدیک به راحتی پیشگویی و پیش بینی کنند، تصمیم بگیرند و ارائه نظریه کنند، یعنی بتوانند مشخص کنند که پیشرفت اجتماعی چیست و چگونه میبایست اندازه‌گیری شود و چه راهکارهایی ارائه گردد. در این زمینه باید افزود که محققین اجتماعی با مطالعه کافی و مستمر در زمینه کاری خود، عالمانه میبایست بتوانند پیامدهای بسیاری از مسائل اجتماعی را پیش بینی کنند و نگذارند آسیبهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اثرات مخرب خود را برجای گذارند.

بنابراین، می‌بینیم که تحقیقات اجتماعی بیشتر در جهان سوم بر سر دوراهی است تا در جوامع توسعه یافته. لذا، اگر قرار است روند آن زنده بماند و بتواند انتظارات جامعه را

پاسخگو باشد، و در صورتیکه جامعه بخواهد حداکثر استفاده را از محققین اجتماعی خود ببرد، میبایست منابع بیشتر در اختیار بگذارد و موانع سرراه را در سطوح آکادمیک و اداری از میان بردارد.

از آنجا که کیفیت تحقیق تا اندازه زیادی بستگی به شرایط زیربنائی پژوهش علوم اجتماعی دارد، در این خصوص بنیادهای لازم میبایست ایجاد و گسترش یابد؛ یعنی نیروی انسانی مورد نیاز، کادر با تخصص، نظارت و رهبری مناسب، هدف و تعهد مشخص نسبت به تحقیق و کفایت در بودجه تحقیق (دوبه: ۱۹۹۵، سنت و توسعه، ص ۳۵۷).^۱ جهت دستیابی به موفقیت، ضمن داشتن استقلال نیاز به انجام و یکپارچگی بین اعضاء نیز هست. بعضی از شکستهای عمده تحقیق در جهان سوم را به انحرافات و کجرویهای فرهنگ عامل در تحقیقات اجتماعی نسبت میدهند. در مقابل، در صورتیکه تحقیقات اجتماعی خوب صورت گیرد، به جامعه میتواند شکل مجددی بدهد. علوم اجتماعی در جهان سوم وضعیت خاص خود را دارد؛ در بسیاری از موارد آن خود نشأت گرفته از تفکرات خارجی و وارداتی است. علیرغم اینکه جوامع جهان سوم سالهاست که از یوغ استعمار رها شده‌اند، دانشمندان اجتماعی آنها هنوز هم نتوانسته‌اند شاخه‌های علوم اجتماعی خود را استعمار زدائی کنند. در چنین شرایطی بسیاری از مدلهای خارجی در این جوامع بدون تغییرات چشمگیری اقتباس و تقلید میگردد.

انگیزه تحقیق

انگیزه‌های تحقیق یا نیروهای محرک تحقیقات اجتماعی در موارد زیادی میتواند علاقه افراد به دستیابی به دانش و آگاهی و نظیر آن باشد که خود به تحقیق خالص یا پایه‌ای موسوم است. از طرف دیگر، انگیزه میتواند به خاطر دستیابی به علم و آگاهی باشد که خود بر کاربرد عملی پایه‌گذاری میگردد و آن به تحقیق عملی موسوم است. تحقیق خالص خود یک نوع رضایت به همراه می‌آورد و به خودی خود یک هدف است. از طرف دیگر، یک محقق در زمینه تحقیقات کاربردی به موضوعات از دیدگاههای دیگر می‌نگرد. او معمولاً زمانی از

تحقیق خود مسرور می‌گردد که تحقیقات کاربردی او عملاً موجب بهبودی در زندگی گردد. بدینگونه، محقق در قالب ارزشها، هنجارها و اولویتهای معینی که دست آورد نهائی او میشوند، کار میکند. هر دو گروه علمای اجتماعی اعم از آنهایی که در زمینه کاربردی یا خالص کار میکنند، میتوانند از یک نوع اطلاعات استفاده کنند. همچنین، هر دو زمینه در راستای شناخت و حل مسائل اجتماعی قدم بر می‌دارند. از این رو، چندان تضاد و دوئیتی بین آنها وجود ندارد.

مشکلات تحقیقات اجتماعی

مسائل اجتماعی عموماً بسیار پیچیده هستند و اگر انتظار داشته باشیم که پیشرفتی حاصل شود، ضروریست که اینگونه مسائل بخوبی شناسائی گردند. اما، مسئله به این سادگی هم نیست. در این حرکت، مشکلات زیادی در تحقیقات اجتماعی سر راه قرار می‌گیرد. بعضی از اینگونه مشکلات عبارتند از:

۱- **مسئله یافتن پژوهشگر مناسب:** هیچگونه تحقیقی با موفقیت صورت نمی‌گیرد مگر اینکه محقق آن نسبت به کار علاقمندی داشته باشد. این موضوع بویژه در مورد علوم اجتماعی بسیار مصداق پیدا میکند، یعنی به راحتی نمیتوان فرد دارای کارآی کافی را برای یک زمینه خاص یافت؛ یعنی کسی که اجازه ندهد تعصبات او بر تحقیق و موضوع مورد مطالعه اثر بگذارد. این بدان مفهوم است که کسی را که صد درصد دنبال علت باشد و روحیه و غیرت مأموریتی داشته باشد به راحتی نمیتوان یافت. معمول و منقول است محققین اجتماعی بیشتر مواد و موضوع را می‌پزند و کمتر به میدان تحقیق میروند تا به اطلاعات دست اول دسترسی پیدا کنند.

۲- **مسئله جمع‌آوری اطلاعات:** مشکل دیگر تحقیقات اجتماعی ناشی از جمع‌آوری اطلاعات است. در این قبیل تحقیقات پژوهشگر میبایست اطلاعات مورد نظر را از قشرهای مختلف انسانی بدست آورد، که آنها عموماً همکاری نمی‌مایند. یعنی اینکه یا به موضوع علاقه ندارند، یا توجیهی برای فاش کردن اسرار ندارند، یا اینکه محققین را با مأموران دولتی اشتباه می‌گیرند و فکر میکنند که از اطلاعات مورد نظر استفاده‌های نامناسب صورت می‌گیرد. همینطور، این موضوع نیز بارها به اثبات رسیده است که محقق در موارد زیادی نظرات خود

را همراه با تعصب اعلام میکند و یا در آن مبالغه میکند که در هر دو صورت با این قبیل اطلاعات بین عمل و هدف فاصله بوجود می‌آید، یعنی موضوع به انحراف کشیده میشود.

۳- مسئله وابستگی به دیگران: وابستگی به دیگران یکی دیگر از مشکلات در تحقیقات اجتماعی شناخته شده است. از آنجا که محقق اجتماعی خود نمیتواند به هر موضوعی بپردازد، او مجبور است از کسانی بعنوان پژوهشگر، جمع‌آوری‌کننده اطلاعات و... استفاده کند. در موارد زیادی این قبیل افراد به اندازه کافی همکاری نمینمایند؛ یعنی ممکن است وقت کافی مصروف نمایند، یا موضوع را آنقدرها جدی نگیرند. همینطور، محقق مجبور است در مرحله استخراج، جدول بندی، تحلیل و تفسیر اطلاعات متکی به دیگران باشد. مجموعاً، تحت چنین شرایطی جدی بودن خود محقق جهت دستیابی به هدف کافی نیست.

۴- مسئله تجزیه و تحلیل اطلاعات: با جمع‌آوری و بدست آوردن داده‌ها مسئله محقق اجتماعی به پایان نمیرسد. از آنجا که یافته‌های محقق همیشه مبتنی بر تفسیر داده‌ها است، در موارد زیادی تجزیه و تحلیل‌کننده به میل و رضایت خود عمل میکند که خالی از گرایش و تعصب تحلیل‌گر نیست.

۵- تعمیم نتایج: یکی دیگر از مشکلات مربوط به تحقیقات اجتماعی ناشی از اغوا شدن پژوهشگر یا محقق در تعمیم یافته‌های مورد تحقیق است. این موضوع میبایست یادآوری گردد که تفاوت‌های وسیعی بین عادات مردم تحت شرایط اجتماعی، محیطی و... وجود دارد، و لذا به راحتی نمیتوان اطلاعات را تعمیم داد، در صورتیکه این جریان عملاً صورت میگیرد.

تحقیقات اجتماعی در ایران

میدانیم که پیش‌نیاز هرگونه حرکتی در زمینه توسعه اجتماعی و صنعتی شدن تحقیقات اجتماعی است. در صورتیکه این امر به موقع و به شکلی مقتضی صورت نگیرد، قدمهای بعدی با مشکل مواجه میگردد. دسترسی پیدا کردن به تمایلات، گرایشها و ویژگیهای افراد در جامعه و متعاقباً شکل و جهت دادن به آنها، از عوامل عمده و بلافصل توسعه به حساب می‌آیند.

"امروز علوم اجتماعی می‌باید نقش بسیار مهمی در جوامع ایفاء کنند، خاصه در جوامعی

همچون جامعه ما که در پی ساختن نظم نو و فرهنگی نوین اند که عاری از نابسامانیهای عظیم موجود در کشورهای شمال و جنوب باشد، زیرا که ساختن یک نظام اجتماعی بهتر احتیاج به اهداف ۷ سیاستگذاری و اقدامات درست و به موقع دارد، و این همه به اطلاعات علمی معتبر در مورد ماهیت جامعه و قانونمندی حاکم بر آن و ابعاد و علل نابسامانیهای اجتماعی نیاز دارد. چنین اطلاعاتی را جز از طریق علوم اجتماعی نمیتوان به دست آورد" (پناهی، م. ح، ۱۳۷۱، فصلنامه علوم اجتماعی، ص ۶).

خیلی از جوامع رو به توسعه از جمله ایران در این سالها دنبال دستیابی به جامعه‌ای مرفه یا (Welfare State) هستند. این وضعیت در شرایطی فراهم می‌آید که همه مردم دسترسی کافی به سه عامل زیستی - روانی غذا، پوشاک و مسکن داشته باشند. پیشنیاز تحقق چنین امری خود تحقیقات اجتماعی، تناسب بین جمعیت و منابع و بنحوی حفظ آنها برای نسلهای آتی است، که همه و همه در گرو پژوهشهای اجتماعی، یعنی شناسائی، اندازه‌گیری (عکسبرداری) و برنامه‌ریزی و عمل کردن روی آن به مفهوم تحقق اهداف توسعه است. همانطور که شناسائی، تنظیم و رسیدگی به یک باغ، لطافت، زنده بودن و کارائی بهتر آن را به دنبال می‌آورد، مطالعات و پژوهشهای اجتماعی مناسب نیز میتواند وضعیت مناسب اجتماعی - اقتصادی را به دنبال آورد.

مثلاً، اینکه چرا در ایران جمعیت در اندازه و جای خود نیست، خود یک مسئله اجتماعی است که نیاز به پژوهشهای اجتماعی دارد و این محققین اجتماعی اند که میبایست به آن پاسخ گویند. رشد جمعیت، مهاجرت، بیکاری، رها شدن از مشاغل اجدادی و ... عدم دستیابی به بسیاری از خواسته‌ها و شاید نیازها، از جمله مسائلی است که پژوهشهای اجتماعی میبایست به آن پاسخ گویند.

تحقیقات اجتماعی در ایران بسیار کم صورت می‌گیرد، بدینگونه که در سطح دانشجویی در مقیاسی محدود و عموماً غیر علمی است. در سطح اساتید و اعضاء هیئت علمی نیز در حدی بسیار ناچیز تحت تأثیر عوامل مختلف این جریان کمتر دنبال میشود. یعنی، کمتر مطرح کردن و بهاء دادن به آن، از بین رفتن انگیزه‌های فردی و شخصی، سنگین شدن شرایط اجتماعی و اقتصادی و ... خود بعنوان عواملی بازدارنده عمل می‌کنند. از سوی دیگر، موانع بوروکراتیک، اداری، بودجه‌ای و ... نیز خود تنظیم طرح را دچار مشکل میکنند و پیشرفت و

توسعه را به تأخیر می اندازند.

چه باید کرد!

یکی از زمینه‌های مهم و ملموس تحقیق که نتایجی فوری و عملی نیز دارد، تحقیقات اجتماعی در سطح روستاهاست. یعنی، از طریق مطالعات و دنبال کردن جامعه‌شناسی روستائی شاید بتوان به مسائل و نیازهای نیمی از جمعیت کشور پرداخت سه برابر علل جدائی آنها از زندگی کشاورزی را پیدا کرد و به نحوی مقتضی راه‌حلهای کاربردی را توصیه کرد. از این طریق میبایست عوامل اجرائی و تصمیم‌گیری را در جریان گذاشت تا زمینه‌های لازم و عملی برنامه‌ریزی را فراهم کنند.

تحقیقات اجتماعی - کاربردی میبایست به مثابه پلی بین مسائل اجتماعی (وضعیت اجتماعی) و کارگزاران اجتماعی - اداری عمل کنند. تحقیقات اجتماعی در زمینه‌های مختلف جوانان، اشتغال، زنان، کار، خانواده، جمعیت، سالمندان، کارگران، کارمندان و ... به شکلی علمی و بیطرفانه میبایست بطوری ادواری صورت گیرد. این قبیل تحقیقات میبایست پشتوانه دولتی داشته و کاربری نتایج را نیز به دنبال داشته باشد، در غیر این صورت تحقیق با یأس و دلسردی مواجه میگردد.

یکی از مشکلات عمده جامعه ما عدم ثبات قیمتهاست که از طریق پژوهشهای اجتماعی، روستائی و کشاورزی میتوان در جهت اصلاح و تثبیت آن قدم برداشت. یعنی، خود تولیدی غذایی، ثبات قیمت‌های مواد کشاورزی و قیمت‌های پائین برای مصرف‌کنندگان شهری و ... همگی میتوانند در گرو مطالعات روستائی باشد. سرمایه‌گذاری در این زمینه و تداوم پژوهشهای اجتماعی خود میتواند پیشرفت و توسعه ملی را به دنبال داشته باشد. اصلاحات جمعیتی نیز که زیر بنای توسعه به حساب می‌آید، از طریق مطالعات جمعیتی مستمر و اجراء برنامه‌های تنظیم خانواده قابل دستیابی است.

بطور کلی، از طریق جهت دادن به تحقیقات اجتماعی، مشخص کردن اهداف آنها، پرداختن به آنها بطور پیگیر، تخصیص بودجه به اندازه کافی، مطالعه دیگر جوامع، ارتباط داشتن با زمینه‌ها، ادبیات و روشهای تحقیق، بوجود آوردن انگیزه و ...، تحقیقات اجتماعی را میتوان به موفقیت سوق داد و آنرا از "بر سر دوراهی بودن" نجات داد.

در شرایط دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همه جانبه، تحقیقات اجتماعی می‌تواند نجات بخش جوامع باشد. در تبیین این موضوع و مقایسه تحقیقات اجتماعی در ایران و جوامع صنعتی اینطور میتوان اضافه کرد: "در غرب رنسانس یعنی نوزایش یا نوسازی فرهنگی، مقدم بر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است. ولی نوسازی فرهنگی در غرب با تحقق انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی و تحقق دموکراسی پایه و مایه‌ای همه جانبه پیدا کرد. اما در ایران، تغییرات فرهنگی که به عنوان نوعی رنسانس پدید آمده است، در تنگنای محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است، و تحت الشعاع بحران عظیمی است که دامنگیر نظامهای شخصیتی و نظامهای اجتماعی در ایران شده و هم اینکه خود پایه بحران هویت جمعی را فراهم آورده است. هر سه مورد عوارض و تبعات فراوانی دارند که جدائی اخلاق نظری و عملی، هنجارشکنی، بی‌تعهدی و ... از نمودهای آنهاست" (عبداللهی، م، ص ۷۶، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، دفتر اول).

کشور هند بعنوان یک مصداق و نمونه بارز میبایست مورد توجه وسیع محققین اجتماعی و جامعه شناسان ما نیز قرار گیرد. از طریق و بدنبال تحقیقات وسیع اجتماعی، اقتصادی و ... که در آن جامعه توسط محققین و آکادمیسینهای بومی انجام میگردد، انکاء به نفس ملی در آن کشور هر چه بیشتر تقویت شده، جمعیت روستائی در حد متناسب باقی مانده، تولیدات مواد غذائی، صنعتی، فرهنگی و غیره به شکلی مناسب صورت میگیرد و توسعه اجتماعی، نوسازی اقتصادی و اجتماعی و ... بخوبی اجراء میگردد. کلاً، جریان توسعه اجتماعی و اقتصادی آن کشور مبتنی بر تحقیقات وسیع و همه جانبه آن، باعث گردیده است تا از یک طرف، میزان وابستگی به حداقل خود کاهش یابد و از طرف دیگر، در جامعه جهانی موقعیت و اعتباری علمی، اقتصادی و فرهنگی پیدا کند.

چگونگی ارتقاء تحقیقات اجتماعی

به دنبال ارتقاء علوم اجتماعی، تحقیقات اجتماعی را نیز به لحاظ کمی و کیفی می‌توان بهبود بخشید و آن خود میتواند براساس پیشنهادات و موارد زیر تحقق یابد: ۱- تلاش در راه کاربردی کردن علوم اجتماعی: از آنجا که علوم اجتماعی جهت حل مسائل انسان و جامعه بکار میروند، و همینطور، از آنجا که این علوم بطور تسلسلی تقویت و بهبود می‌یابند، یعنی

زمینه‌های اولیه زمینه توسعه مراحل بعدی و ثانویه را فراهم می‌آورند، نظریه مربوط به بکارگیری روشها و یافته‌ها مورد تأکید فراوان قرار گرفته شده است. نظام برنامه‌ریزی اجتماعی به این حقیقت پی برده است که موفقیت آن خود در گرو کاربرد علوم اجتماعی و ایجاد یک نوع پیوند و یکپارچگی^۱ بین آنها است.

۲- طرح نظریاتی که به بهبود و تسهیل شرایط زندگی بانجامد: با کاربرد علوم اجتماعی، نقاط ضعف و بن بست‌های اجتماعی شناخته میشوند و بدینگونه تغییراتی در نحوه زندگی اقشار مختلف در یک جامعه مورد نظر پدید می‌آید. شرایط سریع‌التغییر زندگی عصر حاضر در صورتیکه با تحقیقات اجتماعی همراه نباشد، جامعه را با سکون مواجه میگرداند. طرح علوم اجتماعی به گونه‌ای که تلقیات و نگرشهای افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و تحول مرفقی در آنها ایجاد نماید نهایتاً به بهبود شرایط زندگی منجر میگردد. نظریه نوسازی اجتماعی تأکید فراوان بر استفاده از علوم اجتماعی و کاهش اقتدار سنتی دارد. این تغییرات خود در قالب ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مشاهده می‌گردد.

۳- تبیین و تقویت هر چه بیشتر ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علوم اجتماعی: رشد و توسعه نهادهای سیاسی چون احزاب، مجلس، انتخابات و توسعه هوشیاری سیاسی، توسعه و تقویت نوسازی فرهنگی، پذیرش عناصر فرهنگی جدید، افزایش و گسترش سواد، عدالت اجتماعی و... همگی تجلی توسعه و تنویر علوم اجتماعی میباشند. بدینگونه، در عصر جدید به دنبال توسعه جوامع، ابعاد مختلف علوم اجتماعی نیز بطور اجتناب ناپذیری مبیایست توسعه یابد.

۴- بهبود روش تدریس علوم اجتماعی: روشها، رویکردها، فنون و شیوه‌های تدریس علوم اجتماعی امروزه مانند روش تدریس سایر علوم عمدتاً در جوامع صنعتی متحول شده است (راثو: ۱۹۹۵، علوم اجتماعی، ص ۷۹).^۲ کامپیوتر و سایر ابزار الکترونیک همگی در تغییر روشهای تدریس علوم اجتماعی نقش داشته و دارند، و این در حالی است که از

(1) Integration

(2) Rao, M. G. N., Social Science, P. 79.

روشهای سنتی چون: روش سخنرانی^۱ و روش کتاب درسی^۲ نیز وسیعاً استفاده میگردد. در تدریس علوم اجتماعی دانش آموزان و دانشجویان میبایست فهم مناسبی از درس داشته باشند و فهم و شناخت مورد نظر به شیوه‌هایی توسط معلم میتواند تقویت گردد. ارائه مقدمه، اهتراز از جزئیات کم اهمیت، ابعاد علاقه و انگیزه در دانش آموزان و دانشجویان، ارائه کارهای تحقیقی برای ساعات خارج از کلاس، ارائه توضیح کافی در خصوص اصطلاحات و مفاهیم مشکل و... همگی کیفیت روند تدریس را تقویت میکنند.

۵- تقویت هر چه بیشتر علوم اجتماعی با تأکید بر زنان: طی نیم قرن اخیر به دنبال رشد سواد و آموزش بین زنان و ورود تدریجی آنها به مشاغل و فعالیتهای خارج از خانه، آنها جایگاه مهمی در فرآیند اجتماعی کردن، تعلیم و تربیت، خدمات اجتماعی و بهداشتی و نظیر آن پیدا کرده‌اند. جهت دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی، امروزه زنان بسیار مطرح‌اند؛ یعنی آنها با ایفاء نقش اجتماعی خود، سهم مهمی در تحقق توسعه میتوانند داشته باشند. امروزه جوامعی را که در آنها زنان مشارکت اجتماعی بیشتری دارند، پیشرفته‌تر میدانند. در دو کنفرانس سوم و چهارم جهانی مربوط به زنان نیز، یعنی نایروبی ۱۹۸۵ و پکن ۱۹۹۵، نسبت به این امر یعنی استفاده از زنان در تحقیقات اجتماعی، فعالیتهای اجتماعی و... تأکید فراوان شده است.

۶- تقویت و تأکید بر زمینه‌هایی از علوم اجتماعی چون تعلیم و تربیت، جامعه شناسی شهری، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای: اشاعه آموزش و پرورش بین تمامی اقشار جامعه صرف‌نظر از تفاوت‌های نژادی، قومی، مرامی و... به عنوان عامل زیربنایی توسعه مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. همچنین، با توجه به گسترش شهرنشینی، مهاجرت به شهرها و تغییر ساختاری شهرها، تقویت مطالعات شهری و نجات شهرها بوسیله علوم اجتماعی و در قالب آن، خود قویاً توصیه میگردد؛ یعنی راه‌حلها و راهبردهای جامعه‌شناسانه در پیشگیری از شرایط بحرانی بیشتر.

۷- جهت‌گیری شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی در بخشهای مختلف: ضمن اینکه

(1) Lecture Method

(2) Text - Book Method

این علوم رابطه بین رشته‌ای را می‌بایست حفظ کنند، هر یک از علوم اجتماعی بطور مستقل می‌بایست مواضع خود را تقویت نمایند. با تخصصی شدن علوم اجتماعی و در شرایط پیچیده جوامع عصر حاضر، هر یک از شاخه‌های علوم اجتماعی می‌بایست استراتژی خاص خود را حفظ نماید، به پژوهش در قلمرو خود پردازد، و بدینگونه کارشناسان و اهل نظر مربوط به رشته خود را تربیت و تقویت نماید. اینگونه مرزبندی تخصصی امروزه مورد تأکید فراوان محافل علمی قرار گرفته است. از این طریق، مجموعه ارزشی مختلف جامعه و نهادهای مربوطه نیز به خوبی حفظ می‌گردد.

۸- تقویت مبادله مدرسین و محققین علوم اجتماعی بین کشورهای مختلف جهت تعادل علمی بهتر: با جهانی شدن علوم و حرکت بسوی آن، مشارکتهای علمی، مبادله اعضاء هیئت علمی و اهل تفکر و تحقیق بین جوامع ضروری مینماید. این جریان در جوامع رو به توسعه از جمله ایران بسیار ضعیف و کند صورت می‌گیرد که خود باعث ایست علمی و سستی در مبادله تجارب میگردد. فراهم کردن زمینه فرصتهای مطالعاتی نیز به تحقق هدف مورد نظر کمک میکند. قابل ذکر است که جریان مبادله فرهنگی بین جوامع جهان اول تا جائیکه به علوم اجتماعی مربوط می‌شود، در سطح نسبتاً بالائی صورت می‌گیرد؛ امید است که شرایط یاد شده را برای اساتید و اهل تفکر ایرانی نیز بتوان فراهم آورد.

۹- کمی و تکنوکراتیک کردن هر چه بیشتر علوم اجتماعی: خارج کردن علوم اجتماعی از قالبهای فلسفی و تاریخی و کمی کردن و تلفیق آن با فن و تکنولوژی یعنی ایجاد وفاق بین علوم اجتماعی و صنعت از جمله اهداف عمده جامعه شناسی نوین به حساب می‌آید. استفاده از منابع آماری در اثبات نظریات و تحولات مربوط به علوم اجتماعی از ضروریات علمی عصر حاضر است. ساخت و مقایسه شاخصهای اجتماعی امکان ارزیابی بهتری به محقق اجتماعی میدهد. از این رو، علوم اجتماعی حرکت خود را می‌بایست به آن سمت و سو تنظیم و هماهنگ نمایند.

۱۰- استفاده از علوم اجتماعی بعنوان ابزار مهم اداره جامعه: اداره جوامع پیچیده عصر حاضر، پاسخگویی به نیاز و خواستگاه‌های مختلف گروههای مختلف اجتماعی عمدتاً با بهره‌گیری از علوم اجتماعی، راه‌حلهای آن و... تسهیل میگردد. مسائل جوانان، بحرانهای ناشی از آن، برنامه‌ریزی اشتغال، تنظیم جمعیت و رساندن آن به حد تقریباً

مطلوب، توزیع جمعیت و حفظ تعادل جمعیت شهری - روستائی، گذران اوقات فراغت و... همگی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در صورت نپرداختن به آنها، اداره جامعه با مشکلات و موانعی مواجه می‌گردد. از این رو، جنبه‌های کاربردی علوم اجتماعی مشکلات احتمالی را کاهش می‌دهد.

۱۱- علوم اجتماعی بعنوان ضامن نظم نوین اجتماعی: ایجاد رابطه بین مجموعه^۱ پیچیده‌ای از نهادهای اجتماعی در یک جامعه و متعاقباً دستیابی به نظم اجتماعی خود مستلزم استفاده مناسب از علوم اجتماعی، تحقیقات اجتماعی، نقد اجتماعی و... است (کوپر: ۱۹۹۶، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۸۰۰). همچنین، از آنجا که دستیابی به روابط اجتماعی هماهنگ و از میان برداشتن تضاد و تنش بین هنجارهای اجتماعی پیش نیاز نظم نوین اجتماعی است، تحقق چنین امری خود در گرو مطالعات اجتماعی و تحقیقات جامعه‌شناسانه است. بطور کلی، از میان برداشتن مسائل اجتماعی؛ یعنی شرایط نامطلوب، غیرمنصفانه، خطرناک و تهدیدکننده درون جامعه، یعنی وضعیتی که سلامت و نظم جامعه را بخطر می‌اندازد، با مطالعات اجتماعی تعدیل می‌یابد.

۱۲- از میان برداشتن تعصبات و جانبداریهای ملی و منطقه‌ای: ذکر این حقیقت که صداقت و صحت علوم اجتماعی براساس تعصبات و جانبداریهای ملی، محلی و منطقه‌ای خدشه‌دار و منحرف می‌گردد، خود نکته مهمی است که میبایست مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که در خصوص علوم طبیعی اینگونه برخورد نمی‌گردد. از این رو، با تجدید نظر در این زمینه، علوم اجتماعی را میتوان ارتقاء بخشید.

۱۳- توجه به چهار عامل فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی: این چهار عامل شکل دهنده فوق در قالب علوم اجتماعی میبایست جهت گیری کنند. عوامل مورد نظر تأثیر بسزائی بر توسعه اجتماعی دارند. تجمع فرهنگی^۲ و در کنار یکدیگر قرار گرفتن فرهنگها بگونه‌ای که تفاوتهای فرهنگی موجبات برخورد بین ارزشها و هنجارها را فراهم نیاورد، بستگی به توسعه، نظارت و اشراف علوم اجتماعی در جامعه دارد؛ یعنی

(1) Adam Kuper and Others, Social Science Encyclopaedia.

(2) Cultural Pluraliam

"نظام مهندسی اجتماعی" چنین هدفی را میتواند متحقق کند.

۱۴- سرمایه‌گذاری روی علوم اجتماعی: در حالیکه در جهان صنعتی در حدی بالا و به تناسب توسعه صنعتی روی علوم اجتماعی سرمایه‌گذاری میگردد، در جهان سوم بیشتر سرمایه‌گذاریها در خصوص توسعه صنعتی صورت میگیرد، یعنی شرایطی که در آن طرحها و مطالعات اجتماعی بسیار ضعیف و کم اهمیت است. در هر حال، این محدوده از علوم اجتماعی متداول در جهان سوم خود وارداتی است، و آن کم و بیش با محیط تطبیق پیدا میکند و بومی میگردد. بنابراین، جهت تقویت علوم اجتماعی، میبایست در فکر ابتکارات خودی و ملی بود.

۱۵- همکاری با سازمانهای جهانی و منطقه‌ای: تقویت همکاریهای دو جانبه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران با سازمانهایی چون یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، اسکاپ^۱ و... در زمینه‌های مختلف از جمله علوم اجتماعی و دریافت رهنمودها و تجاربی در این خصوص، کشورها را در حل مسائل اجتماعی داخلی آنها کمک میکند. سازمانهایی چون یونسکو منبع غنی از اطلاعات اجتماعی، تحقیقات اجتماعی و توصیه‌هایی از این قبیل است، و خود در غنی‌سازی علوم اجتماعی جوامع مختلف میتواند نقش مؤثر داشته باشد.

در تحقیقات اجتماعی این نظریه وجود دارد که: "برخی گمان دارند که محققان اجتماعی بیش از حد لزوم مشتاق بررسی هستند، و به مجرد طرح مسئله‌ای به میدان رفته، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری، جداول را تنظیم و در پایان به تحلیل و تفسیر نتایج می‌پردازند. این نوع بررسی‌های بدون تعمق که برخی از جامعه‌شناسان آنرا تحقیق سرپائی^۲ می‌نامند، سبب اتلاف وقت، بودجه و گردآوری اطلاعات ناخواسته شده و در نهایت شک‌گرایی را افزایش می‌دهد" (موزر، س. ک، ۱۳۶۷، روش تحقیق، ص ۳). چنین جریانی فقر علوم اجتماعی و تحقیقات اجتماعی را در جوامع رو به توسعه گسترش میدهد و مانع نوآوری، ابتکار، فکر جدید و ... میگردد.

1. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

(2) Door - Knocking Research

از طرف دیگر، در تحقیقات اجتماعی بمعنای عام و تحقیقات اجتماعی در جوامع رو به توسعه از جمله ایران بطور خاص، مشکلات و پیچیدگی‌هایی هنگام تحقیق بروز میکند، و آن ناشی از این است که "در دنیای واقعی تعداد زیادی از متغیرها ارتباط درونی شدیدی با هم دارند" (بلالاک: ۱۳۷۲، مقدمه‌ای بر تحقیقات اجتماعی، ص ۲۵)، و این جریان عمدتاً ناشی از ضعف متمایز ساختن علت از معلول است. بعلاوه، اختلافات ایدئولوژیک و سلیقه‌ای نیز دستیابی به نتایج تحقیق واقعی و بیطرفانه در علوم اجتماعی را با عطف به جوامع جهان سوم بسیار بعید مینماید. جهت‌گریز از این مشکل و روبرو نشدن با گرفتاری‌های بیشتر، بسیاری از تحقیقات اجتماعی در این قبیل جوامع از نوع پژوهش توصیفی (Descriptive Research) است، یعنی: "پژوهشی که در آن بر خلاف پژوهش‌های تحلیلی شناخت شبکه علی و قایع و امور مطمح نظر نیست" (ساروخانی. ب: ۱۳۷۰، ص ۶۳۸). در حالیکه در جهان پیچیده و سریع‌التغییر امروز، نیاز به پژوهش‌های کاربردی و مبتنی بر واقعیات بیشتر از هر زمانی در گذشته احساس میگردد، یعنی سلسله پژوهش‌هایی که به حل مسائل اساسی جامعه میتواند منجر گردد، این قبیل تحقیقات عمدتاً مبتنی بر دانش‌های انسانی - اجتماعی است. در پایان باید اضافه کرد که با تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پدید آمده در سراسر جهان، زمان حاضر بیش از هر زمانی در گذشته نیاز به تحقیقات اجتماعی و علوم اجتماعی دارد. با جهانی شدن شبکه‌های اجتماعی - فرهنگی، تضادهای فراوانی در این زمینه‌ها ظهور کرده است، و به دنبال آن فاصله‌های فرهنگی بین فرهنگ مادی و معنوی گسترش بیشتری یافته است، که بکارگیری هر چه بیشتر تحقیقات اجتماعی را ضروری مینماید.

نتیجه:

بسیاری از جوامع در عصر حاضر حل مسائل اجتماعی خود را منوط به تحقیقات اجتماعی میدانند. از آنجا که تغییرات اجتماعی امروزه بیش از هر زمانی دیگر در گذشته صورت می‌گیرد، مطالعات اجتماعی نیز هماهنگ با آن مبیایست صورت گیرد. گرچه از آغاز انقلاب صنعتی و توسعه جوامع تحقیقات بیشتر در زمینه‌های علوم طبیعی انجام شده است، ولی طی نیم قرن اخیر سرمایه‌گذارهای بیشتری نیز در زمینه تحقیقات اجتماعی صورت

گرفته است. این حرکت گرچه از اروپا آغاز شد، به سایر جوامع رو به توسعه نیز راه یافته است. قرن بیستم بعنوان دوره برنامه‌ریزی، توسعه، صنعتی شدن و... شناخته شده است، و تحقق این جریان در سطح کلان خود در گرو تحقیقات اجتماعی است.

جوامع رو به توسعه با داشتن مسائل اجتماعی فراوان و پیچیده، به راحتی و در حد کافی نمیتوانند روی مسائل خود تخصیص بودجه نمایند. این جوامع با کمبود پژوهشگران باصلاحیت، با بسیاری از مسائل اجتماعی روبرو هستند. جوامع جهان سوم گرچه سالهاست از یوغ استعمار رهایی یافته‌اند، ولی دانشمندان اجتماعی آنها هنوز هم نتوانسته‌اند مستقل فکر کنند، تحقیق کنند، راه حل ارائه دهند و ...

تحقیقات اجتماعی در ایران تحت تأثیر عوامل مربوط به کمبود تسهیلات، کم بهاء دادن به تحقیقات، از بین رفتن انگیزه‌های فردی و شخصی، موانع اقتصادی، اداری و... بسیار محدود صورت میگیرد. ضمن اینکه تحقیقات اجتماعی میبایست پشتوانه دولتی داشته باشد، کاربری نتایج نیز متعاقباً میبایست صورت گیرد، در صورتی که عملاً اینگونه نیست. در حالیکه در شرایط جهت دادن به تحقیقات اجتماعی، مشخص کردن اهداف آنها، بوجود آوردن انگیزه و...، تحقیقات اجتماعی را در کشور میتوان فعال کرد. ارتقاء کیفیت تحقیقات اجتماعی خود به دنبال بهبود موقعیت علوم اجتماعی صورت میگیرد و جهت تحقق آن، پیشنهادات لازم نیز ارائه شده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- بلالاک هربرت، مقدمه‌ای بر تحقیقات اجتماعی، ترجمه دکتر ابراهیم پاشا، ۱۳۷۲ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۲- پناهی، م. ج، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴، ۳، دوره اول، (زمستان ۷۱، بهار ۷۲)، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- ساروخانی، باقر، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، ۱۳۷۰، سازمان انتشارات کیهان.
- ۴- شلبی، احمد، فن پژوهش، ترجمه سید جعفر سامی الدبونی، ۱۳۶۹، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- ۵- عبداللهی، محمد، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تاریخ ۷ دفتر اول.
- ۶- موزر، س. ک/ گالتون، ج، روش تحقیق، ترجمه کاظم ایزدی، ۱۳۶۷، سازمان انتشارات کیهان.

- ۷- نراقی، احسان، علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، ۱۳۶۳ چاپ سوم، انتشارات نیکان.
- 8- Bennett, Rober and R. E. Stall, Global Change and Challenge, Routledge, London, 1994.
- 9- Dube, S. C., Tradition and Development, Vikas, New Delhi, 1995
- 10- Gareau, F. H., Current Sociology, ISA, Vol. 33, No. 3, Sage Publications, U.K. 1985.
- 11- International Sociology, Vol. 11, No. 3, Sage Publications, Bristol, 1996.
- 12- Keller Suzanne and Others, Sociology Mc Graw-Hill, 1994.
- 13- Kerlinger, F. N., Foundations of Behavioural Research, New York 1978.
- 14- Kuper Adam and Others, Social Science Encyclopaedia 2nd Edition, Routledge, New York, 1996.
- 15- Leiss, W. and Others, Social Communication in Advertising: Persons, Product and Images of Well-being, Methuen, Toronto 1986.
- 16- Ogburn, W. F., Social Change, New York, The Modern Library, 1937.
- 17- Ragin Charles and Others, Theory and Methods in Comparative Research, 1983.
- 18- Raj, H. Theory and Practice in Social Research, Chhabra Publications, 1990.
- 19- Rao, M. G., Nagaraja and Others, Social Science, V. P. H, Company Ltd., New Delhi 1995.
- 20- Wales Jenny, Investigating Social Issues, Macmillan 1990.